



په اروپا کې د مېنېسته افغانانو د ټولنو فدراسيون  
فدراسيون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

## Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

Date: 03 / نومبر / 2011

اعلاميه

### عقب نشینی اخیر امریکا در برابر ISI بی اعتنائی به آلام مردم افغانستان است!

بتاریخ ۲۲ سپتمبر ۲۰۱۱ جنرال مایک مولن لوی درستیز آلمان ایالات متحده امریکا با اظهار این واقعیت که " شبکه حقایق بازوی نامرعی استخبارات پاکستان و اردوی این کشور بوده استخبارات نظامی پاکستان در عملیات اخیر بالای اهداف امریکایی از شبکه حقایق پشتیبانی کرده است. سکوت مرگبار قصر سفید در مورد دخالت آشکار اردوی پاکستان در تجهیز، تمویل و تعلیم طالبان، منجمله شبکه حقایق، را برای همیشه شکستاند. کانگرس امریکا را این اظهارات به عکس العمل شدید تا حد تعلیق تطبیق معاهدات همکاری های اقتصادی و نظامی با پاکستان واداشت. این انتظار بوجود آمد که بعد از این اظهارات بلند ترین مقام نظامی امریکا، لابیست های استخدام شده توسط ISI امکان آنرا پیدا نکنند که از پاکستان بحیث متحد منطقوی امریکا صحبت کنند.

این حالت رهبران اردوی پاکستان را سراسیمه ساخت. سفرها به چین و روسیه آغاز شد. گردهمائی همه احزاب، تئوری بود برای نمایش "وحدت" که در پاکستان هرگز وجود خارجی نداشته است. جواب محمود خان اچکزی، یگانه رهبر یک حزب مستقر در آنطرف دیورند که علناً به افغان بودن افتخار میکند، به ISI چنین بود: " اگر ISI بخواهد، طی یکماه در افغانستان صلح بوجود می آید". در همین گردهمائی شجاع پاشا رئیس ISI اظهار نموده بود: " ازین هراس داریم که روابط ما با امریکا تا سطح ترمیم ناپذیر خراب شود.

با این وصف، زمانیکه هیأت مشترک امریکایی تحت رهبری کلنتن به پاکستان رفت تا پیام قاطعی را به گوش سران دولت، اردو و استخبارات پاکستان برساند. نتیجه این سفر مایوس کننده بود. متأسفانه باز هم وزارت خارجه امریکا در تضاد با هدفی که ادعا میکنند بخاطر آن به افغانستان آمده اند، به پالیسی بی ثمر قبلی خود ( Revamped Approach) که سه جزء جنگ، مذاکره و بازسازی را در بر دارد و طی ده سال گذشته در ارتباط با افغانستان و پاکستان تطبیق گردیده است، برگشت. مطابق این طرح از پاکستان خواسته نمیشود تا بر مراکز تجمع و تربیتی شبکه حقایق عملیات نظامی کند. بلکه به همکاریهای کوچک که از دوران بوش نیز مروج است چون تهیه معلومات استخباراتی، دستگیری برخی افراد این شبکه و کمتر ساختن همکاری ISI با این شبکه اکتفا شده است و امریکا از حمله زمینی به مراکز طالبان و حقایق در آنطرف دیورند منصرف شده است. این واقعیت را نیویارک تایمز بتاريخ ۳۰ اکتوبر ۲۰۱۱ افشا ساخته است.

خوشبختانه این طرح در داخل دولت امریکا مخالفین زیاد دارد. خانم الینا روز - لتتین مسؤول روابط خارجی کانگرس از کلنتن پرسید: " خوب خانم کلنتن، بر شبکه حقایق حمله میکنید؟ با آنها مذاکره میکنید؟ یا کمی جنگ و کمی هم مذاکره! از جانب دیگر Bruce O. Riedel نویسنده کتاب "پاکستان، امریکا و آینده جهانی" طرح کلنتن را نا مؤثر دانسته و چنین استدلال میکند که پاکستان اکنون ستراتیژی مستقل خود را در ارتباط با افغانستان دارد. ستراتیژی پاکستان با ستراتیژی امریکا در تضاد است. یک دیپلومات ارشد امریکایی طی صحبت با نویسنده مقاله فوق الذکر و اشنگتن پست، ستراتیژی پاکستان در رابطه با افغانستان را چنین خلاصه کرده است: " آتشبس/مذاکرات/انتظار تا سال ۲۰۱۴" بعبارة دیگر، پاکستان با استفاده از تزلزل جامعه بین المللی به پالیسی دفع الوقت پرداخته از مذاکره

دیپانو شمیره: له ۱ تر 2

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنېنت همکاري ته راوبولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادښت: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

صحبت میکند و منتظر برآمدن قوای ناتو از افغانستان در ۲۰۱۴ میماند تا آنگاه مطابق به سناریوی خود سرنوشت افغانستان را تعیین کند.

امریکایی ها در وضع فعلی پالیسی سازش با ISI را بر مبنای مصلحت سیاسی داخلی و انتخاباتی خود انتخاب کرده اند. ولی بقای این پالیسی در شرایط بعد از دریده شدن نقاب دوستی پاکستان مورد تردید است. چنین پیشبینی میشود که اگر حملات شبکه حقانی بر اهداف امریکایی در افغانستان ادامه پیدا کند، حمله نظامی زمینی امریکا بر مواضع حقانی در آنطرف دیورند، اجتناب نا پذیر میگردد. ولی این یک احتمال است و یک حکومت با مسؤولیت پالیسی امنیتی ملی خود را بر احتمالات پایه گذاری نمیکند. حکومت افغانستان مکلفیت تاریخی و سیاسی دارد که خطر بزرگ این پالیسی امریکا را برای منافع ملی افغانستان بدقت فورمولبندی نموده با یک برنامه معین ایالات متحده را نخست در سطح دیپلوماتیک و بعد در مجامع بین المللی به برخورد جدی با تروریسم دولتی پاکستان علیه افغانستان فراخواند. پاکستان، از دیدگاه حقوق بین المللی، اکنون همان موقفی را دارد که حکومت طالبان طی یکماه بعد از سانحه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ با آن مواجه بود. قطعنامه شماره ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت مؤسسه ملل متحد که بموجب بند a, b, c ماده سوم آن بر حکومت طالبان حمله شد، محتوی عام داشته اکنون نیز مدار اعتبار است. تروریست ها از مراکز امن که توسط پاکستان قانون شکن به آنها داده شده است، به افغانستان متواتر حمله میکنند و افراد ملکی را میکشند. پاکستان موجودیت این پایگاه ها را میپذیرد ولی حاضر نیست آنها را برچیند. پاکستان با بی شرمی تمام گروه های اجیر خود را ذخیره ستراتیژیک خود میخواند. پس چرا افغانستان نتواند با اتکا به این قطعنامه، بصورت سیستماتیک خواستار بررسی جدی نقش پاکستان بحیث حامی تروریسم بین المللی و برچیدن جبری مراکز تجهیز و تعلیم تروریسم در خاک پاکستان نشود؟ اگر افغانستان این خواست را بحیث شرط ادامه حضور قوای بین المللی در افغانستان مطرح کند، به آن ترتیب اثر داده خواهد شد. خون افغانها کمرنگتر از خون امریکایی ها نیست!

(کمیته حقوق بشر فارو)